

درون‌زایی پول در نظام پولی و مالی اسلامی؛ تحلیلی مقایسه‌ای با رویکرد پول درون‌زای پساکینزین

دکتر حسن سبحانی*

منصور ملکی**

چکیده

موضوع درون‌زایی پول در دهه‌های اخیر مورد توجه اقتصاددانان پولی قرار گرفته که به‌ویژه در مکتب پساکینزین به این موضوع توجه بیشتری شده است. با توجه به اهمیت طرح مباحث نظری در زمینه پول در چارچوب نظام پولی و مالی اسلامی، در این مقاله بعد از مروری بر ادبیات نظری درون‌زایی پول از منظر پساکینزین و رویکرد ارتودوکس، مهم‌ترین تفاوت‌های نظری در تبیین مفهوم درون‌زایی پول بین رویکرد اسلامی و رویکردهای رقیب مورد بررسی قرار می‌گیرد. پرسش اصلی که در این مقاله به دنبال یافتن پاسخ برای آن هستیم این است که آیا در نظام مالی اسلامی مفهوم درون‌زایی پول قابل پذیرش است؟ نتایج این مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که در دیدگاه اسلامی نسبت به پول، اگرچه مفهوم پول درون‌زا می‌تواند موضوعیت داشته باشد؛ اما درون‌زایی پول، ماهیتاً در یک فرایند کاملاً متفاوت با دیدگاه پول درون‌زای پساکینزین تبیین می‌شود. همچنین نشان داده می‌شود که با پذیرش مفهوم درون‌زایی پول در نظام پولی و مالی اسلامی، چارچوب نظری حاکم بر سیاست‌گذاری پولی نیز شرایط و ویژگی‌های خاص خود را خواهد داشت که این موضوع می‌تواند به‌عنوان یکی از مبانی نظری در تدوین سیاست‌گذاری پولی در کشور مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پول، درون‌زایی پول، اقتصاد اسلامی و پساکینزین.

طبقه‌بندی JEL: E40, E51.

۱. مقدمه

پول از جمله موضوعات چالش برانگیز علم اقتصاد است که اقتصاددانان همواره دیدگاه‌های متفاوت و گاه متناقضی در مورد آن داشته‌اند. شاید دور از واقع نباشد اگر بیان شود که مفهوم پول، نه تنها از زمان شکل‌گیری علم اقتصاد بلکه قرن‌ها قبل از آن محل تأمل اندیشمندان و حتی فیلسوفان بزرگی چون ارسطو بوده است. دیویدسون^۱ بیان می‌کند: «درحالی‌که همواره اقتصاددانان در مورد پول قلم فرسایی بسیاری کرده‌اند؛ اما همچنان ابهام در مورد مفهوم و طبیعت واقعی پول ادامه دارد» (۲۰۰۶، ص ۱۳۹).

به نظر می‌رسد که تعریف جامع و مشخصی از پول که مورد قبول همه اقتصاددانان باشد نتوان معرفی کرد. در واقع وجود تعریف‌های مختلف از پول، نخست، نشان‌دهنده چندوجهی و پیچیده بودن مفهوم پول دارد و دوم نشان‌دهنده رویکردهای مختلف در بیان نقش و کارکرد پول در اقتصاد است. هیکس^۲ معتقد است، «پول به وسیله کارکردهایش تعریف می‌شود... پول همان چیزی است که انجام می‌دهد» (۱۹۶۷، ص ۱).

ساموئلسون^۳ بیان می‌کند که از نظر تاریخی گستره وسیعی از کالاها همچون تنباکو، چرم، پوست، روغن زیتون، مشروبات الکلی و حتی بردگان و کنیزان در طول تاریخ به‌عنوان واسطه مبادله مورد استفاده قرار گرفته‌اند. دوره پول کالایی به اتمام رسید و دوره پول کاغذی شروع شد و در نهایت با سپری شدن دوره پول کاغذی به دوره پول بانکی یا سپرده‌های دیداری بانکی وارد شده‌ایم (۱۹۷۳، ص ۲۷۴). پول اولیه، به‌عنوان واسطه مبادله که گاهی پول کالایی^۴ نیز گفته می‌شود در جامعه‌ها و فرهنگ‌های مختلف انواع گوناگونی داشته است. با گذشت زمان پول کالایی با سکه‌های فلزی که اغلب از طلا، مس و برنز ساخته شده بودند جایگزین شد. با این نوآوری و خلق پول‌های فلزی، پول می‌توانست افزون بر واحد سنجش و واسطه مبادله بودن، به‌عنوان ذخیره ارزش برای نیازهای آتی نیز مورد استفاده قرار گیرد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که اولین پول‌های فلزی در چین و حدود هزار سال قبل از میلاد ضرب شده است (دیویس،^۵ ۲۰۰۲، ص ۵۵).

ماهیت پول و کارکردهای آن هم در ادبیات اقتصاد متعارف و هم در میان اندیشمندان اسلامی محل بحث‌ها و نزاع‌های علمی بسیار بوده است. از آنجا که تفسیر و تبیین صحیح پول براساس فقه و اصول شریعت می‌تواند تعیین‌کننده مصادیق قراردادهای ربوی و نیز مقدمه‌ای برای طراحی نظام مطلوب پولی و بانکی در چارچوب نظام اسلامی باشد؛ از این‌رو در بین فقیهان و پژوهشگران دینی،

1. Davidsan, p.

2. Hicks, J. R.

3. Samvelson.

4. commodity money.

5. Davies.

پول و کارکردهای آن در نظام اقتصاد اسلامی، همواره موضوعی چالشی برای تحقیق و طرح دیدگاه از منظر دینی بوده است؛ اما به نظر می‌رسد هنوز تفسیر دقیقی از پول که هم منطبق بر واقعیت‌های عینی اقتصاد و هم در تناسب با مبانی فقهی اقتصاد باشد به‌طور کامل ارائه نشده است. توسلی معتقد است به دلیل اشکالاتی که در مفروضات اساسی دیدگاه‌های مختلف در مورد ماهیت پول وجود دارد نیاز است که تحلیلی جدید و تکاملی درباره ماهیت پول داشته باشیم (۱۳۹۲، ص ۱۱۹). در زمینه اهمیت طرح و بررسی موضوع پول، احمدوند نیز معتقد است، اگر ماهیت پول، درست شناخته نشود، شاید احکام استوار بر آن درست و دقیق مشخص نشود و در پی آن، سیاست‌گذاران پولی و بانکی، سیاست‌های پولی مفید را نتوانند به‌کار گیرند (۱۳۸۲، ص ۷۵).

از جمله مسائلی که موضوع مناقشه‌انگیز در بین اقتصاددانان پولی بوده، شناخت ماهیت واقعی پول، ریشه‌های شکل‌گیری آن و مکانیزم خلق پول در اقتصاد است. نظریه‌های پولی در مکاتب فکری مختلف نشان‌دهنده عمیق بودن تفاوت در برداشت‌ها از ماهیت پول است. از جمله مسائل نظری مهمی که از چند دهه پیش به‌طور جدی وارد ادبیات اقتصاد پولی شده، بحث درون‌زایی و برون‌زایی پول است. در این مقاله سعی می‌شود، با بررسی جنبه‌های نظری مفهوم درون‌زایی پول در ادبیات متعارف، این مفهوم از منظر نظام پولی و مالی اسلامی تحلیل شود.

اهمیت طرح این‌گونه مباحث نظری از آنجا ناشی می‌شود که توسعه ادبیات اقتصاد پولی اسلامی، نیاز به مطالعه ادبیات اقتصاد پولی متعارف و تبیین نقاط مشترک و وجوه نظری متفاوت دیدگاه اسلامی با دیگر دیدگاه‌های نظری در ادبیات متعارف که می‌توان به‌عنوان دیدگاه‌های رقیب نام برد، دارد. از طرف دیگر، سیاست‌گذاری و مدیریت نظام پولی به برداشت نظری در مورد ماهیت پول و فرایند خلق آن براساس مکانیزم درون‌زا یا برون‌زا، ارتباط نزدیکی دارد. قواعد حاکم بر سیاست‌گذاری و مدیریت پول، براساس اینکه فرایند خلق پول درون‌زا یا برون‌زا فرض گردد، می‌تواند به صورت‌های مختلف طراحی شود. اینکه برخی از مکتب‌های فکری بر این باورند که قواعد ثابت پولی باید ملاک سیاست‌گذاری پولی قرار گیرند و برخی دیگر به سیاست‌های صلاح‌دید معتقدند، ریشه در برداشت آنها از درون‌زایی یا برون‌زایی پول و فرایند خلق پول دارد. از آنجا که در تحلیل کارکردهای نظام بانکی نیازمند مجموعه‌ای از فروض در زمینه ماهیت پول از نظر درون‌زایی یا برون‌زایی آن، برای رسیدن به قواعد حاکم بر نظام مدیریت سیستم پولی و بانکی هستیم، لازم است به این موضوع با دقت نظر بیشتری پرداخته شود.

در این مقاله یکی از موضوعات نظری چالش برانگیز در دهه‌های اخیر در ادبیات اقتصاد پولی، یعنی موضوع درون‌زایی پول بررسی می‌شود. بررسی دقیق مفهوم درون‌زایی پول، می‌تواند منجر به تبیین پایه‌های نظری مربوط به طرح مباحثی چون قواعد پولی، چارچوب نظری سیاست‌گذاری

پولی و فرایند خلق پول و اعتبار در اقتصاد شود. از جمله مکتب‌های فکری که به مقوله درون‌زایی پول توجه زیادی کرده و نظریه‌پردازان این مکتب فکری سعی در اثبات مفهوم درون‌زایی پول براساس برخی مقدمات نظری و استدلال‌های مربوطه داشته‌اند، مکتب پساکینزین است. عمده مباحثی که پساکینزین‌ها در موضوع درون‌زایی پول مطرح کرده‌اند، در واقع در تقابل فکری با جریان متعارف اقتصاد پولی یا رویکردهای ارتودوکس در زمینه مفهوم درون‌زایی پول، بیان شده است. در این مقاله ابتدا، ادبیات نظری مفهوم درون‌زایی پول براساس رویکرد پساکینزین‌ها مرور می‌شود و مهم‌ترین وجوه افتراق این رویکرد با رویکردهای ارتودوکس به مقوله درون‌زایی پول بررسی می‌گردد. در ادامه براساس برداشتی که از مفهوم درون‌زایی پول در اقتصاد اسلامی می‌توان به دست آورد، به تحلیل مقایسه‌ای این مفهوم با دیگر رویکردهای رقیب، به‌ویژه با رویکرد پساکینزین پرداخته می‌شود.

پرسش اصلی این تحقیق آن است که، براساس چارچوب نظری نظام پولی و مالی در اقتصاد اسلامی، آیا می‌توان ادعا کرد که مفهوم درون‌زایی پول در نظام مالی اسلامی قابل پذیرش است و براساس یک فرایند درون‌زا، پول وارد چرخه اقتصاد می‌شود؟ روش تحقیق در این مقاله به صورت مطالعه کتابخانه‌ای و رجوع به اسناد و تحلیل تطبیقی نظریات مطرح شده در مکاتب فکری مورد اشاره در مقاله خواهد بود. به نظر می‌رسد، براساس آنچه از مفهوم درون‌زایی پول برداشت می‌شود، اگرچه می‌توان درون‌زایی پول را در نظام پولی و مالی اسلامی پذیرفت؛ اما تحلیل و تبیین درون‌زایی پول در اقتصاد اسلامی با تحلیل دیگر رویکردهای نظری از جمله رویکرد پساکینزین و رویکردهای ارتودوکس ماهیتاً متفاوت باشد. در این مقاله صحت این ادعا به صورت دقیق‌تر بررسی می‌شود.

۲. پیشینه تحقیق

مفهوم درون‌زایی و یا برون‌زایی پول در ادبیات اقتصاد پولی به‌ویژه بعد از دهه ۳۰ میلادی و با شروع نظریات اقتصاد کینزی یکی از موضوعات چالشی در بین اقتصاددانان بوده است. البته قبل از آن، نظریه‌های درون‌زایی پول از طرف مکتب بانکی و براساس دکترین اوراق حقیقی بیان شده بود. مباحث مربوط به درون‌زایی پول از دهه ۱۹۷۰ به بعد با طرفداری مکاتب فکری پساکینزین و سیکل تجاری حقیقی بیشتر از قبل مورد توجه محافل علمی قرار گرفت. اینکه پول به صورت یک فرایند درون‌زا و متأثر از فعل و انفعالات اقتصاد وارد چرخه مالی اقتصاد می‌شود یا اینکه پول به صورت برون‌زا براساس اراده نهاد متولی مدیریت پول (بانک مرکزی) تعیین می‌شود همواره محل بحث نظریه‌پردازان اقتصاد پولی بوده است. این موضوع هم با رویکرد نظری و تحلیل فرایند ورود و

چرخه پول در اقتصاد و هم از طریق مدل‌های کمی و تحلیل آماری، مورد بررسی قرار گرفته است. آنچه موضوع مورد مطالعه در این مقاله است، بررسی مفهوم درون‌زایی پول براساس رهیافت نظری از دیدگاه اقتصاد اسلامی می‌باشد.

اگرچه در ادبیات اقتصاد پولی متعارف، تحقیقات نظری قابل توجهی در زمینه مفهوم درون‌زایی پول انجام شده که مهم‌ترین نزاع‌های علمی در این زمینه میان پساکینزین‌ها و اقتصاددانان جریان متعارف شکل گرفته؛ اما از دیدگاه اقتصاد پولی و مالی اسلامی، به این موضوع توجه چندانی نشده است. البته در سالیان اخیر، برخی از محققان داخلی از طریق مدل‌های کمی سعی در اثبات درون‌زایی پول کرده‌اند که در این روش‌ها، براساس آمارهای گذشته متغیرهای پولی و تحلیل روابط علی و معلولی بین تغییر در روندهای آماری، فرضیه مربوط به درون‌زایی پول مورد بررسی قرار گرفته است. البته همان‌طور که اشاره شد، این‌گونه مطالعات کمی موضوع بحث این مقاله نیست و لذا محور طرح بحث در اینجا تحلیل نظری فرایند تأمین مالی اسلامی و مقایسه‌ای تطبیقی میان تحلیل این فرایند از منظر اقتصاد اسلامی با دیگر رویکردهای نظری در این زمینه و به‌طور خاص دیدگاه پساکینزین است.

بررسی ادبیات اقتصاد اسلامی و نظریات محققان پول و بانکداری اسلامی نشان می‌دهد، پیشینه تحقیق قابل توجهی در این زمینه شکل نگرفته است. مهم‌ترین مطالعه نظری در زمینه درون‌زایی پول را در میان محققان اسلامی، چودهاری^۱ (۱۹۹۷ و ۲۰۰۵) انجام داده است. وی با طرفداری از نظریه درون‌زایی پول در نظام مالی اسلامی معتقد است، تجهیز منابع براساس شریعت اسلامی باید به طریقی صورت پذیرد که براساس آن یک رابطه نزدیکی بین متغیرهای پولی و فعالیت‌های مولد واقعی ایجاد شود. در این شرایط، طبیعت پول اقتضا می‌کند که به صورت درون‌زا وارد چرخه واقعی اقتصاد شود (۲۰۰۵، ص ۳).

در زمینه مفهوم درون‌زایی پول در نظام مالی اسلامی، توتونچیان^۲ نیز معتقد است، برخلاف سیستم سرمایه‌داری، که در آن پول می‌تواند در ابتدا باعث ایجاد تحرک در اقتصاد شود، در سیستم اسلامی فرایند برعکس است که این موضوع نشان‌دهنده درون‌زایی پول می‌باشد (۲۰۱۱، ص ۱۹۸). البته ایشان، به موضوع درون‌زایی پول به‌صورت یک تحقیق مستقل پرداخته و درون‌زایی پول را بدون تبیین دقیق مفهوم، در میان نتایج تحلیل‌های خود در زمینه کارکرد نظام بانکداری اسلامی بیان داشته‌اند.

در این مقاله سعی می‌شود، ضمن مروری بر مباحث مطرح شده در زمینه مفهوم درون‌زایی پول

1. Choudhury.

2. Toutouchian.

در ادبیات متعارف، به بیان تحلیل نظری این مقوله براساس رهیافت نظام پولی و مالی اسلامی پردازیم. وجه تمایز اصلی این مقاله با دیگر پژوهش‌ها، تحلیلی مقایسه‌ای و تطبیقی از مفهوم درون‌زایی پول از منظر اسلامی و مهم‌ترین دیدگاه رقیب نظریات اقتصاد پولی متعارف، یعنی دیدگاه پساکینزین خواهد بود. البته در طول مطالعه، بررسی نظرات درون‌زایی پول از نگاه جریان متعارف اقتصاد که معتقد به برون‌زایی پول می‌باشند نیز مورد توجه خواهد بود.

۳. درون‌زایی پول در رویکرد پساکینزین

همان‌طور که اشاره شد، بررسی رویکردهای پول درون‌زا و پول برون‌زا می‌تواند در شناخت کارکردها و ریشه‌های شکل‌گیری پول مورد استفاده قرار گیرد. همچنین این بررسی می‌تواند به شناخت مبانی نظری مربوط به خلق پول در مکاتب فکری مختلف در اقتصاد پولی کمک کند. از آنجا که در رویکرد پولی پساکینزین، نظریه پول درون‌زا به‌طور دقیق‌تری مورد توجه قرار گرفته است؛ لذا در این مقاله منظور ما از نظریه پول درون‌زا، مباحث مطرح شده در مورد درون‌زایی پول از دیدگاه طرفداران مکتب پساکینزین می‌باشد. در ضمن از آنجا که دیدگاه ارتودوکس در زمینه پول معتقد به برون‌زایی پول است؛ لذا رویکرد ارتودوکس در این مقاله بیانگر دیدگاه پول برون‌زا می‌باشد.

مسئله اصلی که در بحث درون‌زایی پول مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد آن است که آیا پول براساس یک مکانیزم درون‌زا و در اثر فعل و انفعالات پویای درون اقتصاد خلق شده و وارد اقتصاد می‌شود و یا اینکه پول، به‌عنوان وسیله‌ای برای تسهیل مبادلات اقتصادی، براساس خواست و اراده یک نهاد بیرونی همچون بانک مرکزی، وارد فرایند اقتصاد می‌شود؟ طرفداران پول درون‌زا معتقدند که پول در اثر یک فرایند درون‌زا در اقتصاد و بدون تأثیر یک نهاد بیرونی و عامل برون‌زا همچون دولت و یا نهاد بانک مرکزی خلق می‌شود. در مقابل طرفداران پول برون‌زا یا رویکرد ارتودوکس که طیف گسترده‌ای از مکاتب مطرح شده در ادبیات اقتصاد کلان متعارف همچون پولیون، مکتب نظریه مقداری و کینزین‌های کلاسیک را شامل می‌شود، اعتقاد به خلق برون‌زای پول توسط یک نهاد بیرونی مانند بانک مرکزی دارند.

رای^۱ معتقد است که رویکرد پول برون‌زا تقریباً در بیشتر نظریات اقتصاد کلان متعارف همواره مفروض بوده است. در این رویکرد، بخش‌های پولی و واقعی می‌توانند دست‌کم در بلندمدت به‌طور مجزا تحلیل شوند. معمولاً این نظریه‌پردازان پول برون‌زا بیان می‌کنند که عرضه پول در نهایت تحت کنترل بانک مرکزی است (۱۹۹۰، ص ۱). در مقابل، در رویکرد پول درون‌زا،

1. Wray.

بخش‌های پولی و واقعی نمی‌توانند مستقل از یکدیگر مورد تحلیل قرار گیرند. لذا ممکن نیست که آثار افزایش سرمایه‌گذاری را با فرض عرضه پول ثابت تحلیل کرد. براساس رویکرد پول درون‌زا، فرایند خلق پول به نیاز عینی اقتصاد و مکانیزم‌های تولید در نظام سرمایه‌داری بستگی دارد. در واقع، افزایش مخارج سرمایه‌گذاری، در ابتدا منجر به ایجاد کسری در ترازنامه بنگاه می‌شود که برای جبران این کسری بودجه نیازمند افزایش سطح ترازنامه هستیم. در نتیجه، دارایی‌ها و بدهی‌های بنگاه در راستای تأمین مالی جریان مخارج ایجاد شده برای بنگاه افزایش می‌یابند که البته این افزایش اقلام دارایی و بدهی به عملکرد نهادی و تعاملات در نظام مالی و نیز رفتار بانک مرکزی بستگی خواهد داشت (همان، ص ۲).

براساس رویکرد پول درون‌زا در دیدگاه پساکینزین، خلق پول بیشتر به نیاز بخش واقعی اقتصاد بستگی دارد تا اینکه نتیجه نوآوری مالی بشری باشد؛ درحالی‌که در رویکردهای ارتودوکس، پول نوعی از واسطه مبادله محسوب می‌شود که به‌منظور تسهیل مبادلات ایجاد شده است. این رویکرد، پول را تنها یک متغیر اسمی می‌داند و همچنان که فریدمن بیان می‌کند، پول تنها نقش یک نقاب^۱ را برای بخش واقعی اقتصاد بازی می‌کند. براساس این دیدگاه، بعد از ایجاد بازار و هنگامی که تولید برای عرضه در بازار افزایش یافت، پول به‌منظور تسهیل مبادلات بازاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. به بیان دیگر، تحول از مبادلات تهاتری به پول کالایی و سپس به پول کاغذی تنها یک نوآوری بشری است به‌منظور تسهیل مبادلات و کاهش هزینه‌های مبادلاتی. بنابراین، براساس دیدگاه پول برون‌زا، پول زاییده می‌شود برای تسهیل مبادلات در مکانیزم بازار که تا قبل از آن مبتنی بر تهاتر بوده است، یا به بیانی دیگر پول به‌منظور کاهش هزینه‌های مبادلاتی ایجاد شده است.

پساکینزین‌ها معتقدند که در ابتدا، پول تنها بر مبنای نیاز جامعه به یک تسهیل‌کننده مبادلات ایجاد نشد؛ بلکه در واقع پول زمانی به وجود آمد که مفهوم حقوق خصوصی و مالیکت خصوصی^۲ در جامعه ظاهر شد. بر اساس این دیدگاه، نهاد مالکیت خصوصی، پیش‌نیازی برای توسعه تولید پولی است که در واقع با هدف عرضه و فروش در بازار در برابر دارایی‌های پولی تولید شده است. شکل‌گیری پول و نیز توسعه بازارها ریشه در ظهور مالکیت خصوصی داشته است (استفیلد،^۳ ۱۹۸۶، ص ۹۷). در نظر گرفتن فرض مالکیت خصوصی، متضمن وجود عدم اطمینان وجودی^۴ خواهد بود (رای، ۱۹۹۳، ص ۱۰). بر اساس این، عدم اطمینان وجودی در جوامع قبل از سرمایه‌داری وجود نداشته است؛ زیرا در آن زمان نهاد مالکیت خصوصی همچون دوره سرمایه‌داری شکل نگرفته

1. Veil.

2. private right and private property.

3. Stanfield.

4. existential uncertainty.

بود. به بیان دیگر، از زمانی که اطمینان اجتماعی از یک سطح حداقل معیشت بین رفت و مفهوم مالکیت خصوصی گسترش پیدا کرد، پدیده عدم اطمینان وجودی نیز موضوعیت یافت. با وجود چنین عدم اطمینانی، مردم، برای مبادلات روزانه خود جهت مواجهه با آینده غیرمطمئن نیاز به نگهداری پول، بیش از حد نیاز پیدا کردند. مفهوم عدم اطمینان یکی از مهم‌ترین عناصر شکل‌دهنده نظریه پولی کینز است که براساس آن کارکرد ذخیره ارزش تبیین می‌شود.

درون‌زایی پول و رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده

همان‌طور که اشاره شد، شکل‌گیری نهاد مالکیت خصوصی در اقتصاد سرمایه‌داری از نظر پساکینزین‌ها یکی از پیش‌نیازهای اصلی برای شکل‌گیری زمینه درون‌زایی پول محسوب می‌شود. با استقرار مالکیت خصوصی، ما عناصر یک اقتصاد پولی را خواهیم داشت که آن اقتصادی است که بر مبنای قراردادهای مبتنی بر بهره بین اعتباردهنده و اعتبارگیرنده ایجاد و منجر به تولید پولی^۱ می‌شود (همان، ص ۱۰).

بر این اساس، پساکینزین‌ها استدلال می‌کنند که پول نه به‌خاطر تسهیل در مبادلات اقتصادی بلکه به‌عنوان جزئی از یک قرارداد آتی در دوره بعد از توسعه مالکیت خصوصی ایجاد شد. اولین پول زمانی خلق شد که یک دارایی پولی خصوصی امکان یافت که به انتظار دریافت مازادی در آینده وام داده شود. در واقع، کارکرد اصلی پول در این رویکرد واحد سنجش است که این کارکرد پول زمانی موضوعیت می‌یابد که فردی می‌تواند به‌عنوان یک اعتباردهنده یا یک قرض‌دهنده رفتار کند (همان).

با ظهور سرمایه‌داری و توسعه مالکیت خصوصی نقش پول نیز مهم‌تر شد. در نظام اقتصادی سرمایه‌داری، هدف نهایی، انباشت سرمایه در شکل افزایش حجم پول در انتهای سال مالی است. در این شرایط، زمانی که یک کارآفرین یا صاحب بنگاه، با هدف انباشت سرمایه بیشتر، قصد شروع فعالیتی اقتصادی داشته باشد، در ابتدا نیازمند فراهم کردن نهاده‌های مختلف تولید است که در صورت نبود سرمایه شخصی لازم، تنها با گرفتن وام یا ایجاد اعتبار جدید میسر خواهد بود. خلق این اعتبار که می‌تواند قدرت خریدی را برای صاحب بنگاه یا کارآفرین ایجاد کند در واقع ریشه اصلی خلق پول در اقتصاد سرمایه‌داری براساس رویکرد پول درون‌زا است.

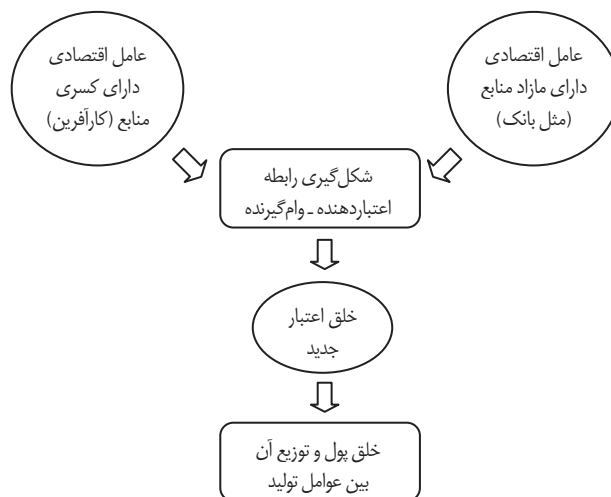
در چارچوب تحلیلی پول درون‌زا، گفته می‌شود زمانی که در اقتصاد، فردی بیش از دارایی خود نیاز به تأمین منابع مالی داشته باشد و فرد دیگر پس‌انداز پولی مازاد داشته باشد، یک رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده^۲ ایجاد خواهد شد که می‌تواند عامل خلق پول اعتباری به‌صورت

1. monetary production.

2. Debtor-Creditor.

درون‌زا شود. در واقع پول اعتباری به منظور تأمین مالی یک فرایند اقتصادی خلق شده است و از طریق توزیع بین عوامل تولید، به چرخه اقتصاد واقعی برمی‌گردد.

رابطه اعتباردهنده و وام‌گیرنده در شرایطی که فروض مالکیت خصوصی و حقوق مالکیت شناخته شده باشند به یک قرارداد مالی بین طرفین منجر می‌شود. براساس استدلال نظریه‌پردازان پساکینزین، این قرارداد باید در بردارنده سطح مشخصی از هزینه نرخ بهره نیز باشد، که اندازه آن به میزان عدم اطمینان وجودی که وام‌دهنده با آن مواجه است بستگی خواهد داشت که در واقع از دارایی مطمئن خود برای یک آینده نامشخص دست می‌کشد (هنسان و استیگر،^۱ ۱۹۸۹، ص ۱۹۲). وجود نرخ بهره به این معناست که قرض‌گیرنده لازم است بیش از میزانی که قرض گرفته، تولید انجام دهد تا بتواند به تعهد خود برای پرداخت نرخ بهره عمل کند. این موضوع در واقع منطق تجمیع سرمایه در نظام سرمایه‌داری است که در واقع پول بیشتر به‌عنوان جزئی از یک قرارداد مالی خلق می‌شود (رای، ۱۹۹۳، ص ۲۱).



شکل ۱: فرایند درون‌زایی پول

در این چارچوب تحلیلی، با توسعه سیستم مالی، نسبت پول اعتباری نیز افزایش می‌یابد. از آنجا که رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده باعث انتقال قدرت خرید می‌شود، پول به‌عنوان یکی از اقلام ترانزنامه که می‌تواند یک جریانی از مخارج را تأمین مالی کند در نظر گرفته می‌شود. براساس این رویکرد، پول نمی‌تواند حتی در بلندمدت نیز خنثی باشد. در واقع نظریه درون‌زایی پول بیان می‌کند

1. Heinsohn and Steiger.

که پول، ریشه در نیازهای شکل گرفته در نتیجه رشد اقتصاد دارد تا اینکه نتیجه خواست دولت یا بانک مرکزی باشد. در رویکرد ارتودوکس، استدلال می‌شود که چون دولت از طریق بانک مرکزی بر روی نرخ‌های ذخیره قانونی کنترل دارد، لذا می‌تواند حجم پول را نیز براساس اراده خود کنترل کند (برونر،^۱ ۱۹۶۸، ص ۹). اما در رویکرد پساکینزین، اگرچه دولت همچنان مهم‌ترین عامل خلق پول دولتی^۲ است؛ اما این فرایند خلق پول دولتی به صورت یک فرایند درون‌زا بوده و متأثر از مخارج دولتی می‌باشد. مخارج دولتی در نظریه پساکینزین، ریشه درون‌زایی پول دولتی محسوب می‌شود (تچرنو،^۳ ۲۰۰۱، ص ۱۱۳). همان‌طور که بیان شد، ریشه درون‌زایی پول اعتباری نیز براساس دیدگاه پساکینزین‌ها، شکل‌گیری رابطه دائن و مدیون مبتنی بر قرض با فرض وجود عامل انگیزشی نرخ بهره و با در نظر داشتن فرض مالکیت خصوصی است.

بنابراین، با توجه به مباحث مطرح شده می‌توان گفت، در رویکرد ارتودوکس استدلال می‌شود که پول با هدف کاهش هزینه‌های مبادلاتی و تسهیل معاملات ایجاد می‌شود. این رویکرد تحلیلی به پول، منتج از مبانی روش‌شناسی اقتصادی متعارف است که براساس آن با تأکید بر رفتار عقلایی، عاملان اقتصادی به دنبال کم هزینه‌ترین راه برای شکل‌دهی معاملات اجتماعی خود و افزایش سود حاشیه‌ای هستند؛ اما در دیدگاه مقابل، پساکینزین‌ها، معتقدند که ریشه درون‌زایی پول در رابطه اعتبار و بدهی نهفته است. براساس رویکرد پول درون‌زا، ایجاد رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده یکی از پیش‌نیازهای اصلی در درون‌زایی پول محسوب می‌شود. در ضمن، مالکیت خصوصی می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین ریشه درون‌زایی پول در اقتصاد سرمایه‌داری در نظر گرفته شود که براساس آن پول تنها تسهیل‌کننده مبادله نیست؛ بلکه در ابتدا پول به‌عنوان واحد محاسبه ارزش، جهت برآورد میزان نیاز مالی شکل گرفته در اقتصاد و نیز میزان پولی که همراه با بهره باید به وام‌دهنده برگردانده شود، خلق شده است.

درون‌زایی پول در اقتصاد اسلامی

براساس آنچه که در زمینه درون‌زایی پول بیان شد، می‌توان گفت که مهم‌ترین مرحله از این فرایند در شکل‌گیری رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده نهفته است. در واقع فرض وجود مالکیت خصوصی، تضمینی برای ایجاد زمینه شکل‌گیری رابطه اعتباردهنده و وام‌گیرنده است. براساس ایجاد رابطه وام‌دهنده و وام‌گیرنده، از طرفی، نیاز مالی وام‌گیرنده برای انجام طرح اقتصادی خود رفع شده و از طرف دیگر، اعتباردهنده می‌تواند مازادی را در انتهای دوره دریافت کند. ماهیت این تعامل مالی،

1. Brunner.

2. Fiat money.

3. Tcherneva.

در واقع همان رابطه دائن و مدیون مبتنی بر قرارداد قرض است. همچنان‌که طرفداران نظریه پول درون‌زا بیان می‌کنند، به واسطه شکل‌گیری چنین رابطه‌ای، پول جدید به صورت اعتبار در اقتصاد به صورت درون‌زا خلق می‌شود و این ویژگی خلق پول اعتباری مختص دوران بعد از سرمایه‌داری است. در دوره قبل از سرمایه‌داری که واسطه‌های مالی نقش چندانی مهمی در فرایند رشد اقتصادی کشورها نداشتند، به طور اصولی نیاز چندانی به تجهیز سپرده‌های خرد جهت تأمین مالی طرح‌های با نیاز مالی بالا نبوده است؛ اما از زمانی که تولید در مقیاس بالا با هدف انباشت سرمایه بیشتر، آغاز شد، نقش واسطه‌های مالی از جمله نهاد بانک نیز از اهمیت بالایی برخوردار شد. با شکل‌گیری این نهاد مالی بود که امکان ایجاد تعاملات مالی براساس رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده یا همان قرارداد قرض فراهم شد و در نتیجه آن پول جدید به صورت اعتبار وارد اقتصاد گردید.

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین اصل در نظام مالی و بانکداری اسلامی، نفی رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده یا رابطه دائن و مدیون مبتنی بر قرض همراه با شرط مازاد به صورتی که در ادبیات نظریات پول درون‌زا بیان شده، یعنی قرض با انتظار دریافت مازاد بیشتر در انتهای دوره قرارداد مالی می‌باشد. براساس احکام اسلامی و نظرات فقیهان، هر نوع رابطه مبتنی بر عقد قرض که مشروط بر دریافت و یا پرداخت مازاد باشد، مشمول ربای قرض است و عقد قرض فقط در صورتی می‌تواند سازگار با احکام اسلامی باشد که قرض از نوع قرض الحسنه باشد. بنابراین، از این جهت باید گفت که نظریات پول درون‌زا نمی‌توانند با مبانی و اصول بانکداری اسلامی تبیین شوند. نظریه پردازان پول درون‌زا معتقدند که خلق پول اعتباری جدید، متأثر و مرتبط با کارکرد نرخ بهره به عنوان قیمت نگهداری پول و پاداش به تأخیر انداختن مصرف به دوره بعد، بوده است. در کنار نقش مؤثر نرخ بهره، نهاد مالکیت خصوصی نیز در گسترش پول اعتباری مبتنی بر رابطه قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده نقش اساسی داشته است. همچنان‌که هنسان و استیگر (۱۹۸۹) بیان می‌کنند:

«پول و بهره همراه با هم توسعه یافتند، ولی نه بعد از دوره اقتصاد تهاتری، بلکه زمانی که مالکیت خصوصی و قراردادهای آتی توسعه یافت. نهاد مالکیت خصوصی، پیش‌نیازی برای توسعه تولید پولی است که در واقع با هدف عرضه و فروش در بازار در برابر دارایی‌های پولی تولید شده است (ص ۱۹۲)».

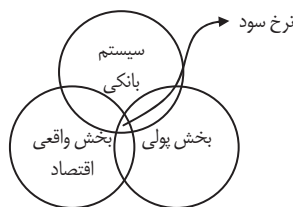
مطالعه ساختار حقوقی یک نظام اقتصادی که تعیین‌کننده مجموعه حقوق مالکیت و نظم‌دهنده به تعاملات و مبادلات مالی و اقتصادی است در شناخت کارکردهای پول و فرایند درون‌زایی پول از اهمیت بالایی برخوردار است. براساس برداشت از حقوق مالکیت در اندیشه اسلامی، برخی از نظریه‌پردازان، ربا را در تضاد با اصول حقوق مالکیت در نظام مالی اسلامی دانسته‌اند. به اعتقاد خان و میرآخور (۱۳۷۰، ص ۳۰)، پول نماینده طلب صاحب پول نسبت به حق مالکیت

ایجاد شده به واسطه دارایی‌هایی است که از طریق کار یا انتقال به‌دست آمده باشد. وام دادن پول در واقع به منزله انتقال این حق مالکیت است و آنچه می‌تواند در ازای آن مطالبه شود، معادل اصل آن است و نه بیشتر. لذا، بهره پول به این شکل که نمایانگر ایجاد حق مالکیت آنی است، غیرقابل توجیه است؛ زیرا، بهره حق مالکیتی است که از خارج از چارچوب قانونی حق مالکیت شناخته شده مطالبه می‌شود.

شهید مطهری در تبیین این موضوع که چرا قرارداد قرض ربوی به‌لحاظ شرعی حرام و به‌لحاظ طبیعی قراردادی ظالمانه است، چنین استدلال می‌کنند که وقتی انسان پول خود را تبدیل به دین کرد یعنی آن را قرض داد آنگاه صاحب عین، قرض‌گیرنده است و قرض‌دهنده مالک دین است؛ یعنی مالک یک امر اعتباری و قراردادی و از طرفی در واقعیت این وجود عینی سرمایه است که کار می‌کند و ارزش افزوده دارد و نه وجود اعتباری و ذهنی آن. سرمایه عینی هر سود و یا ضرری داشته باشد به صاحب سرمایه بر می‌گردد. به بیان دیگر از دیدگاه ایشان قرض یعنی تبدیل عین به ذهنیت و اعتبار. بنابراین، از آنجا که یک امر اعتباری تلف و زیان ندارد، طبیعت قرض و وجود اعتباری دادن به سرمایه مانند یک نوع بیمه کردن است که در نتیجه آن مال از نظر سود و زیان خنثی می‌شود، زیرا همان‌طور که با بیمه‌شدن جلوی کسرشدن آن گرفته می‌شود جلوی انتاج آن هم گرفته می‌شود. شهید مطهری معتقدند که طبیعت قرض با سود گرفتن ناسازگار است و بنابراین، طبیعت قرض این است که «قرض الحسنه» باشد یعنی قرض بدون سود (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۴۲).

بنابراین، هسته اصلی نظریات پول درون‌زا مبتنی بر شکل‌گیری رابطه قرض در یک قرارداد مبتنی بر نرخ بهره است که البته مالکیت خصوصی به‌عنوان نهادی جهت تضمین حقوق طرفین قرارداد نقش مهمی ایفا می‌کند؛ اما در رویکرد نظام مالی و بانکی اسلامی، هسته اصلی نظریه درون‌زایی خلق پول، مشارکت در سود و زیان و سهیم شدن طرفین قرارداد در ریسک فعالیت‌های تولیدی در قراردادهای مشارکتی و یا تأمین مالی براساس تعامل با بخش واقعی اقتصاد جهت تهیه کالا و خدمت در قراردادهای مبادله‌ای است و از طرف دیگر فلسفه و روح حاکم بر نظام مالی و بانکی اسلامی را باید در نفی رابطه قرض همراه با شرط مازاد دانست؛ چراکه این نظام براساس قاعده نفی ربا شکل گرفته است. به بیان دیگر، فرایند تأمین مالی در نظام اسلامی، برخلاف یک رابطه پولی دائن و مدیون مبتنی بر قرض، براساس مجموعه عقود مالی اسلامی که شامل عقود مشارکتی و مبادله‌ای می‌باشند انجام می‌شود. روابط شکل گرفته براساس عقود مالی اسلامی، تضمین‌کننده ایجاد پیوند بین بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد است، درحالی‌که در تعاملات مبتنی بر عقد قرض در فرایند تأمین مالی ربوی، تعامل بین متقاضی و جوه منابع مالی و عرضه‌کننده آن منابع، تنها یک رابطه پولی و مبتنی بر قرض همراه با شرط مازاد می‌باشد.

در روابط و تعاملات مالی در نظام مالی اسلامی، بخش پولی با بخش واقعی اقتصاد در ارتباط است و ریسک نیز به‌طور کامل به قرض‌گیرنده و یا مشارکت‌کننده منتقل نمی‌شود. در این چارچوب، با تحریم نرخ بهره پولی، با توجه به شرایط بخش حقیقی اقتصاد و بازدهی مربوط به موضوع قرارداد مالی که در بخش حقیقی اقتصاد قرار دارد، نرخ سود شکل می‌گیرد (شکل ۲). سیستم مالی اسلامی، تأمین مالی از طریق بدهی را به تأمین مالی از طریق سرمایه و نرخ‌های بهره از پیش تعیین شده را به نرخ‌هایی که تابعی مستقیم از سود هستند تبدیل می‌کند (خان و میرآخور، ۱۹۸۹، ص ۵۳). حتی می‌توان استدلال کرد که نرخ‌های سود شکل گرفته در عقود مبادله‌ای، متأثر از بازدهی حاصل از مبادله کالا یا خدمت در بخش واقعی اقتصاد است.



شکل ۲: نظام مالی اسلامی و نرخ سود

بنابراین، مفهوم درون‌زایی پول در نظام پولی و مالی اسلامی براساس تعاملات پویا و هماهنگ بخش‌های پولی و واقعی اقتصاد موضوعیت خواهد یافت که در آن نه به‌واسطه شکل‌گیری رابطه قرض و وجود نیروی محرکه نرخ بهره، بلکه براساس مشارکت و پیوند بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد، مبتنی بر نرخ‌های بازدهی شکل گرفته در بخش واقعی اقتصاد، پول به‌صورت درون‌زا خلق شده و وارد فرایند اقتصادی می‌شود.

نقطه شروع فرایند تأمین مالی در نظام مالی اسلامی، نیاز شکل‌گرفته در بخش حقیقی اقتصاد است. بر اساس این، رفتار بانک اسلامی متأثر از وجود تعامل ساختاری بین نهاد تأمین‌کننده مالی و بخش واقعی اقتصاد می‌باشد. در این زمینه چودهاراری بیان می‌کند بانک‌های اسلامی، به‌عنوان یک نهاد واسط مهم بین بانک مرکزی، اقتصاد و اجتماع ایفای نقش می‌کند که این موضوع دلیل اصلی شکل‌گیری پول درون‌زا در نظام مالی اسلامی می‌باشد. وی معتقد است در غیاب نرخ بهره، ترازنامه یک بانک اسلامی در واقع منعکس‌کننده ارزش دارایی‌ها و بدهی‌ها در چارچوب یک تعامل درون‌زا بین جریان‌های مالی و اقتصاد واقعی است. بنابراین، از آنجا سطح سرمایه‌گذاری جدید در اقتصاد براساس رشد بخش واقعی اقتصاد می‌گیرد؛ لذا حجم پول جدید خلق شده که وارد فرایند اقتصاد می‌شود باید برابر میزان رشد اقتصادی باشد که این مفهوم در واقع بیانگر

درون‌زایی پول در نظام مالی اسلامی است (۲۰۰۵، ص ۴). توتونچیان نیز بیان می‌کند تحریم بهره، باعث می‌شود که بانک‌های اسلامی از نهادهای پولی تبدیل به نهادهای مالی شوند. بر اساس این، استفاده و مقایسه نرخ بازدهی داخلی پروژه‌های واقعی اقتصاد باعث می‌شود که پارامترهای این سیستم درون‌زا شوند. بنابراین، این رویکرد جدید در نظام مالی و بانکی، باعث می‌شود که پول به‌صورت درون‌زا وارد چرخه اقتصاد شود و لذا عرضه پول متأثر از میزان عوامل واقعی تولید در اقتصاد تعیین خواهد شد (۲۰۱۱، ص ۲۰۰).

بر اساس آنچه در زمینه نحوه درون‌زایی پول در چارچوب اندیشه نظام مالی اسلامی بیان شد، مشاهده می‌شود که تفاوت‌های اساسی و ریشه‌ای در تبیین فرایند خلق پول و تفسیر درون‌زایی پول بین دیدگاه اسلامی و نظریات پول درون‌زا وجود دارد. در نظام اقتصادی اسلام، پول قابلیت خلق درون‌زا را دارد؛ اما نه به‌واسطه تسلط رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده یا به تعبیر دیگر رابطه قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده همراه با وجود نرخ بهره، بلکه پول در نتیجه تعامل عاملان اقتصادی در بخش حقیقی اقتصاد و مبتنی بر عقود اسلامی همراه با مشارکت در سود و زیان و پذیرش ریسک توسط طرفین می‌تواند وارد چرخه اقتصادی شود.

شاید بتوان وجه اشتراک نظری رویکرد اقتصاد اسلامی و نظریات پول درون‌زا مانند آنچه که پساکینزین‌ها بیان کرده‌اند، را در اهمیت تعامل و رابطه بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد قلمداد کرد. همچنان‌که در نظریات پول درون‌زا ذکر شد، ریشه فرایند درون‌زایی پول، نیازی است که در بخش واقعی اقتصاد و شکل‌گیری رابطه مالی بین متقاضی منابع مالی مثلاً یک کارآفرین و عرضه‌کننده وجوه مالی مانند بانک، بر اساس قرارداد قرض و تبادل بهره، به وجود آمده است. در این رویکرد نظری، نرخ بهره را باید به‌عنوان موتور محرک شکل‌گیری رابطه مالی بین طرفین در نظر گرفت. اینکه در این رویکرد، تأکید بر ارتباط بخش پولی با بخش حقیقی اقتصاد به‌منظور تأمین مالی یک پروژه تولیدی است، وجوه شباهتی با رویکرد اقتصاد اسلامی در آن مشاهده می‌شود؛ اما همچنان‌که بیان شد، در نظریه پول درون‌زا، کارکرد نرخ بهره در قرارداد قرض بسیار حیاتی است. از طرف دیگر، اگرچه نقطه شروع شکل‌گیری رابطه اعتباردهنده و وام‌گیرنده در نظریه پول درون‌زای پساکینزین، نیاز مالی شکل گرفته در بخش حقیقی اقتصاد باشد؛ اما در ادامه رابطه بین طرفین، تنها یک رابطه پولی مبتنی بر قرض همراه با شرط مازاد یا قرض ربوی است. این در حالی است که در رویکرد اقتصاد اسلامی، تحریم نرخ بهره، مهم‌ترین ویژگی و وجه تمایز با دیگر نظریات پولی می‌باشد. در رویکرد اسلامی، تأکید بر ارتباط بخش پولی و بخش واقعی نه به‌واسطه ایجاد رابطه قرض بر اساس کارکرد نرخ بهره است؛ بلکه به‌منظور تعامل طرفین در یک فعالیت واقعی و تسهیم در سود و زیان و ریسک‌های مرتبط با انجام فعالیت اقتصادی در بخش واقعی اقتصاد می‌باشد.

این موضوع به معنای نفی فرایند درون‌زای خلق پول در نظام اقتصادی و مالی اسلامی نیست؛ بلکه به معنای برداشت و تفسیر متفاوت از این فرایند در دو دیدگاه است. همچنان‌که بسیاری از نظریه‌پردازان بانکداری اسلامی بیان کرده‌اند، نظام بانکداری اسلامی دارای ارتباط نزدیک با بخش واقعی اقتصاد است؛ به طوری که انواع مختلف عقود مشارکتی و مبادله‌ای که در نظام مالی اسلامی تعریف شده‌اند، همه تأکید بر وجود یک تعامل در بخش واقعی اقتصاد برای تولید کالا یا خدمت دارند. حتی در مورد عقود مبادله‌ای نیز که در آن، نرخ بازدهی از قبل مشخص است و به رابطه دائن و مدیون نزدیک است هرچند این عقود از جنس تعاملات مالی مبتنی بر عقد قرض نیستند؛ اما لازم است براساس پیوند با بخش واقعی اقتصاد شکل گیرند. به بیان دیگر، در صورتی که تعاملات مالی در عقود مبادله‌ای تنها در بخش پولی تعریف شود، نمی‌تواند الزامات فقهی لازم برای این عقود را برآورده کند. از این جهت می‌توان گفت که مبدأ تعاملات مالی در نظام بانکداری اسلامی، بخش واقعی و مقصد آن نیز که همان تولید کالا یا خدمت است در بخش واقعی اقتصاد قرار دارد.

از آنجا که در حالت مطلوب نظام مالی و بانکداری اسلامی، اصولاً هیچ‌گونه فرایند تأمین مالی در نظام اقتصادی اسلام بدون توجه و بدون تناسب با نیازهای بخش واقعی اقتصاد انجام نمی‌شود، شاید دور از واقع نباشد اگر بیان کنیم که در نظام اقتصاد اسلامی، پول برون‌زا به معنای واقعی آن وجود ندارد بلکه پولی اگر وارد چرخه اقتصاد می‌شود باید در یک فرایند پویا و درون‌زا در نظام اقتصادی خلق شده باشد؛ اما همان‌طور که ذکر شد، تفسیر و تبیین این نوع فرایند درون‌زایی پول، کاملاً با تفسیر رویکرد طرفداران نظریه پول درون‌زا در ادبیات متعارف اقتصاد پولی و نظرات طرفداران رویکرد پساکینزین، به طور بنیادین متفاوت است.

درون‌زایی پول و دلالت‌هایی برای سیاست‌گذاری پولی در کشور

یکی از آثار مهمی که نظریه پول درون‌زا در نظام بانکداری اسلامی می‌تواند داشته باشد در زمینه چارچوب مدیریت پولی و سیاست‌گذاری پولی در کشور است. چنانچه فرایند عرضه پول در اقتصاد مبتنی بر مکانیزم درون‌زا فرض شود آنگاه نوع استفاده از سیاست پولی الزامات خاص خود را در مقایسه با حالتی که عرضه پول برون‌زا فرض شود، خواهد داشت. همان‌طور که در طول این مقاله بیان شد، فرایند خلق پول براساس رهیافت نظری در چارچوب نظام بانکداری اسلامی یک فرایند درون‌زا، پویا و مرتبط با بخش واقعی اقتصاد است. البته این فرایند درون‌زایی، با فرایند درون‌زایی پول آنچنان‌که در ادبیات متعارف درون‌زایی پول و به‌طور خاص مکتب پساکینزین عنوان شده است ماهیتاً متفاوت است.

این موضوع که عرضه پول در نظام پولی و مالی اسلامی از یک فرایند درون‌زا تبعیت می‌کند،

خود می‌تواند یک پایه نظری مهمی برای تدوین سیاست‌گذاری پولی در کشور مورد توجه قرار گیرد. البته پیش‌فرض ضمنی این ادعا آن است که نظام بانکداری اسلامی با شرایط و ویژگی‌های واقعی خود اجرا می‌شود؛ به طوری که عقود مشارکتی بدون آنکه صوری باشند به طور واقع با مشارکت در ریسک و سود و زیان و عقود مبادله‌ای نیز در پیوند با بخش واقعی و همراه با مبادلات واقعی کالا و خدمات در اقتصاد اجرا می‌شوند.

بر اساس این، به نظر می‌رسد سیاست‌گذاری پولی در کشور به معنای متعارف آن و استفاده از ابزارهای پولی مانند نرخ تسهیلات بانکی و عملیات بازار باز، کارآمدی چندانی نداشته باشد و بانک مرکزی برای اثرگذاری بر متغیرهای پولی لازم است به شرایط بخش واقعی اقتصاد توجه کافی داشته باشد. در ضمن در این چارچوب، سیاست مالی از اثرگذاری بالاتری برخوردار است و لذا تعامل سیاست پولی و سیاست مالی برای اثرگذاری بر متغیرهای کلیدی اقتصاد در جهت رسیدن به اهدافی چون ثبات اقتصادی و نیز کمک به فرایند رشد اقتصادی از اهمیت بالایی نسبت به محدود کردن بانک مرکزی به ابزارهای متعارف سیاست‌گذاری پولی برخوردار است.

البته برخی تحقیقات تجربی در زمینه درون‌زایی پول که در کشور انجام شده است نیز، درون‌زایی پول را تأیید کرده‌اند. به طور نمونه، زراءنژاد و سعادت‌مهر (۱۳۸۶) براساس آمارهای مربوطه، نشان داده‌اند که عرضه پول در اقتصاد ایران درون‌زا است. آنها در تحقیق خود نشان داده‌اند که بانک‌های تجاری با توجه به نرخ‌های سود بانکی و نیز سودآوری بازار، ذخایر آزاد خود را تغییر می‌دهند و از این طریق بر حجم پول در اقتصاد ایران تأثیر می‌گذارند (ص ۲۰). در تحقیقی دیگر، شواهد اقتصاد ایران، نشان می‌دهد که فشارهای هزینه‌ای تأثیر معناداری در رشد متغیرهای پولی و همچنین ضریب تکاثر خلق پول دارد. لذا عرضه پول درون‌زاست و افزون بر کسری بودجه دولت، فشارهای هزینه‌ای در توضیح تغییرات درون‌زای آن معنادار و با اهمیت است (رحمانی و فرزین‌وش، ۱۳۷۹، ص ۱۰۹).

بنابراین به نظر می‌رسد، به عنوان یکی از دلالت‌های درون‌زایی پول در نظام پولی و مالی اسلامی، براساس تحلیل نظری که در این مقاله بیان شد و نیز با توجه به برخی یافته‌های تجربی محققان در تأیید فرایند درون‌زای عرضه پول در اقتصاد ایران، استفاده از ابزارهای مدیریت پولی در نظام سیاست‌گذاری پولی در جهت رسیدن به اهداف کلانی چون حفظ ارزش پول و ثبات اقتصادی با ملاحظه درون‌زایی پول، ویژگی‌های متفاوتی نسبت به نظام سیاست‌گذاری پولی فعلی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به موضوع درون‌زایی پول از منظر پساکینزین‌ها و نیز براساس رویکرد اسلامی در زمینه پولی و مالی پرداخته شد. براساس رویکرد ارتودوکس به پول بیان شد که در این رویکرد، پول به‌عنوان واسطه مبادله، به‌صورت برون‌زا و براساس خواسته بانک مرکزی خلق می‌شود؛ اما در رویکرد پساکینزین ایجاد رابطه اعتباردهنده-وام‌گیرنده و شکل‌گیری تقاضای تأمین مالی در بخش واقعی اقتصاد عامل اصلی درون‌زایی پول محسوب می‌شود. همچنان‌که مورد بحث قرار گرفت، فرض وجود مالکیت خصوصی در دیدگاه پساکینزین به‌عنوان زمینه ساختاری و نهادی برای شکل‌گیری رابطه اعتباردهنده و وام‌گیرنده ضروری است که در این شرایط نرخ بهره نیز به‌عنوان نیروی محرک در تعاملات مالی، شناخته می‌شود.

براساس مباحثی که در زمینه درون‌زایی پول مطرح شد، می‌توان گفت که فرایند خلق پول در نظام اسلامی اگرچه یک فرایند پویا و درون‌زاست؛ اما تفسیر درون‌زایی پول در نظام مالی اسلامی، کاملاً با تفسیرهای مربوط به طرفداران رویکرد پول درون‌زا همچون پساکینزین‌ها، ماهیتاً متفاوت است. دلیل اصلی تفاوت جوهری در فرایند درون‌زایی پول از دیدگاه اندیشه اسلامی به مسئله تحریم ربا برمی‌گردد. بر اساس این، در چارچوب نظام مالی و بانکی اسلامی، اگرچه پول به‌صورت درون‌زا وارد چرخه اقتصادی می‌شود؛ اما این فرایند در واقع به‌واسطه شکل‌گیری قراردادهای مالی اسلامی براساس تسهیم سود و زیان و ریسک در نظام مالی اسلامی و همچنین پیوند درون‌زای بخش پولی و بخش واقعی اقتصاد در مجموعه عقود مشارکتی و مبادله‌ای انجام می‌شود.

از آنجا که تعیین قواعد حاکم بر مدیریت پولی و هدف‌گذاری نهاد بانک مرکزی به برداشت نظری از درون‌زایی پول و مفهوم خلق پول وابسته است، لذا با در نظر داشتن این‌گونه مباحث، یافته‌های این تحقیق می‌تواند به‌عنوان یک مقدمه نظری در طراحی چارچوب مدیریت پولی در نظام مالی و بانکی اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. احمدوند، معروف‌علی (۱۳۸۲)، «مروری بر ماهیت‌شناسی پول و دیدگاه فقیهان»، فقه کاوشی نو در فقه اسلامی (۲) ۱۰، ص ۷۴-۱۴۷.
۲. توسلی، محمداسماعیل (۱۳۹۲)، تحلیل ماهیت پول و اثر آن بر منضبط کردن حقوقی سیاست‌های پولی در اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، رساله دکترا.
۳. خان، محسن و عباس میرآخور (۱۳۷۰)، مطالعات نظری در بانکداری و مالیه اسلامی، (ترجمه محمد ضیائی بیگدلی)، تهران: مؤسسه بانکداری ایران.
۴. رحمانی، تیمور و اسدالله فرزین‌وش (۱۳۷۹)، «درون‌زایی عرضه پول و تأثیر فشارهای هزینه‌ای بر آن در اقتصاد ایران»، تحقیقات اقتصادی (۱) ۲۹، ص ۸۳-۱۱۲.
۵. زراءنژاد، منصور و مسعود سعادت‌مهر (۱۳۸۶)، «عرضه پول در اقتصاد ایران»، پژوهشنامه بازرگانی (۱) ۱۲، ص ۱-۲۲.
۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، مسئله ربا به ضمیمه بیمه، تهران: صدرا.
7. Brunner, K. (1968), "The Role of Money and Monetary Policy", *Federal Reserve Bank of st.Louis Review*, 50 1.
8. Choudhury, M. A. Hussain, M. M. (2005), "A paradigm of Islamic money and banking", *International Journal of Social Economics*, 32(3), P. 203-217.
9. Choudhury, M.A. (1997), *The theory of endogenous money in comparative Islamic perspectives*, Money in Islam, Routledge, London, PP. 38-71.
10. Davidson, P. (2006), *Keynes and money*, A Handbook of Alternative Monetary Economics: 139.
11. Davies, G., J. H. Bank (2002), *A history of money: from ancient times to the present day*, University of Wales Press.
12. Heinsohn, G., O. Steiger (1989), *The Veil of Barter: The Solution to The Task of Obtaining Representations of an Economy in which Money is Essential*, Inflation and Income Distribution in Capitalist Crisis. Essays in Memory of Sidney Weintraub, MacMillan: London: 175-201.
13. Hicks, J. R. (1967), *Monetary theory and history: an attempt at perspective*, Critical Essays in monetary theory: 155-173.

14. Khan, M. S. Mirakhor, A. (1989), "The financial system and monetary policy in an Islamic economy", *Islamic Economics*, 1(1), P. 39-58.
15. Mirakhor, A. (1987), "Analysis of short-term asset concentration in Islamic banking", *Munich Personal RePEc Archive, MPRA* .Paper No. 56029.
16. Samuelson, P. (1973), *Economics*, New York, McGraw-Hill.
17. Stanfield, J. R. (1986), *The economic thought of Karl Polanyi: Lives and livelihood*, Macmillan London.
18. Tcherneva, P. (2001), "Money: A comparison of the Post Keynesian and Orthodox Approaches" *Oeconomicus*, IV: 109-114.
19. Toutounchian, I. (2011), *Islamic money and banking: integrating money in capital theory*, Wiley.
20. Wray, L. R. (1990), *Money and credit in capitalist economies: the endogenous money approach*, E. Elgar.
21. Wray, L. R. (1993), "The Origins of money and the development of the modern financial system." *Levy Economics Institute Working* .Paper No. 86.
22. Wray, L. R. (1998), "Modern money", *Levy Economics Institute Working*. Paper No. 252.

